

رخداد

دوقلوهای به هم چسبیده شیرازی جدا شدند

■ ایسنا: دوقلوهای به هم چسبیده‌ای که حدود پنج ماه پیش در شیراز متولد شده بودند، طی یک عمل جراحی شش ساعته در بیمارستان نمازی شیراز جدا شدند. دکتر علی بهادر، سرپرست تیم جراحی دوقلوهای به هم چسبیده در این خصوص به خبرنگاران گفت: در این عمل موفق شدیم دوقلوهایی را که از ناحیه شکم و سینه به هم چسبیده بودند و باید از کبد و دیافراگم و قفسه سینه از هم جدا می‌شدند با موفقیت از هم جدا کنیم. وی با اشاره به مساعد بودن وضعیت عمومی این دوقلوا افزود: این کودکان در حال حاضر در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان نمازی شیراز بستری هستند. رییس دفتر بخش پیوند اعضای دانشگاه و عضو تیم پزشکی جداکننده این دوقلوا نیز گفت: این دوقلوهای پسر از ناحیه سینه و شکم به هم متصل و به جز از ناحیه کبد در سایر اعضای بدن مستقل بودند. دکتر سیدعلی ملک‌حسینی افزود: با توجه به اینکه در بخش پیوند اعضای بیمارستان نمازی شیراز تمامی تجهیزات لازم و متخصصان باتجربه که برای جدا کردن کبد این دوقلوا لازم بود وجود داشت، بنابراین موفقیت این جراحی قابل پیش‌بینی بود. متخصص رادیولوژی که این دوقلوا زیر نظر وی تصویربرداری و سونوگرافی شده بودند نیز گفت: پیش از عمل جراحی به درخواست بخش پیوند اعضا، تصویربرداری‌های لازم از این کودکان انجام شد. دکتر علیرضا راسخی ادامه داد: در سونوگرافی‌ای که انجام شد، جدا بودن همه ارگان‌های بدن دو کودک به جز کبد تشخیص داده شد. راسخی افزود، هر کدام از این کودکان کلیه، طحال، آئورت، ریه، قلب و جِناغ سینه را به‌طور جداگانه داشتند و ناف کبد دو طرف هم جدا بود اما کبد به هم چسبیده داشتند. وی گفت: پس از سونوگرافی، از کودکان عکس هم گرفتیم که در آن به یکی از کودکان مواد حاجب خورانه شد که در نتیجه آن پس از عکس گرفتن مشخص شد هر کدام از آنها روده‌های کاملا جدا هم دارند. راسخی اضافه کرد: در مرحله بعد به وسیله سی‌تی اسکن multi slice که در هر دور ۶۴ عکس می‌گیرد، کودکان سی‌تی اسکن شدند و نتیجه آن نیز درست بودن تشخیص‌ها در سونوگرافی و عکسبرداری تایید شد و ارگان‌ها را به صورت دقیق‌تر مورد بررسی قرار دادند. وی افزود، با توجه به مشترک بودن کبد کودکان از پدر و مادر این بچه‌ها نیز سونوگرافی صورت گرفتیم تا در صورت نیاز از کبد آنها پیوند زده شود. دکتر حشمت‌الله صلاحی، عضو تیم پیوند کبد شیراز و یکی از متخصصان شرکت‌کننده در این عمل جراحی نیز گفت: جدا کردن کبد دوقلوا از هم، جدا کردن استخوان جناغ سینه و اعضای که حین عمل تشخیص داده شد که مشترک هستند و همچنین پیوند پوست از جمله کارهایی است که برای جداسازی این دوقلوا انجام شده است. متخصص بیهوشی در این عمل جراحی نیز گفت: شاید یکی از مراحل پراضطراب عمل جداسازی این دو کودک، شروع بیهوشی بود، زیرا این کودکان از ناحیه سینه و شکم به هم متصل بودند. دکتر محمدعلی سهلم‌الدینی افزود: سرر این بچه‌ها روبروی هم بود که این مساله لوله‌گذاری نای و مانیترینگ‌های تهاجمی را بسیار مشکل می‌کرد که خوشبختانه با حضور دو متخصص بیهوشی این مرحله به خوبی پیش رفت. سهلم‌الدینی گفت: برای کنترل راه هوایی، دو متخصص بیهوشی با هماهنگی با یکدیگر با استفاده از دو دستگاه بیهوشی مجزا و مانیتریونگ جدا برای دو کودک، مراحل بیهوشی را انجام دادند و وی خاطرنشان کرد: در طول عمل ضربان قلب، فشارخون و سایر نشانه‌های حیاتی دو کودک به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گرفت که خوشبختانه بر خلاف وضعیت خاص جسمی سر دو کودک، مراحل بیهوشی به خوبی پیش رفت.

مرگ فوتبالیست نوجوان حین بازی

■ ایسنا: رییس مرکز حوادث و فوریت‌های پزشکی یزد از مرگ فوتبالیست نوجوان در سالن فوتبسال خبر داد. نجفی با بیان اینکه تکنیسین‌های اورژانس روز دوشنبه در ساعت ۱۳:۲۸ از طریق تماس مردمی در جریان وقوع حادثه‌ای در ورزشگاه پاک‌نژاد قرار گرفتند، گفت: تکنیسین‌های اورژانس با حضور در صحنه حادثه در ساعت ۱۳:۳۱ دریافتند یکی از بازیکنان نوجوان تیم آفای یزد به علت برخورد توپ با قفسه سینه دچار جراحث شده است. وی افزود: تکنیسین‌های اورژانس با معاینه این نوجوان دریافتند این فوتبالیست هیچ‌گونه علایم حیاتی ندارد و سریعاً وی را به بیمارستان فرخی منتقل کردند. نجفی با اشاره به تحویل بیمار به بیمارستان گفت: متأسفانه این نوجوان جان خود را با وجود تلاش کادر پزشکی از دست داده و تعیین علت تامة مرگ بر عهده کارشناسان پزشکی قانونی است. «میر» بازیکن ۱۵ ساله تیم آفگا که بازی آخر خود را با حضور پدرش و تشویق‌های بی‌پایان وی در ورزشگاه شهید پاک‌نژاد آغاز کرد، در ثانیه ۲۰ بازی آخرین گل زندگی خود را به ثمر رساند و مورد تشویق تماشاچیان قرار گرفت و در دقیقه ۱۷ محوطه جریمه تیم فولاد آلیاژی، توپ با شوت بازیکن این تیم به قفسه‌سینه او برخورد کرد و پس از چند دقیقه جان خود را از دست داد.

شرق: مردی که متهم است در یک رقابت عشقی شوهر زن مورد علاقه‌اش را کشته، مدعی شد مرگ مقتول فقط یک تصادف رانندگی بود. به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که چهارشنبه گذشته در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد، روشن نماینده دادستان تهران در توضیح کیفرخواست صادره گفت: ۱۰ آذر سال گذشته جسد مردی جوان به نام کاظم در کنار بزرگراهی در نزدیکی خیابان بهمن پیدا شد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات در مورد او آغاز شد. هرچند در ابتدا به نظر می‌رسید علت مرگ تصادف است، ماموران بعد از چند ماه تحقیق پی بردند سمیرا همسر مقتول با مردی به نام علی رابطه داشت و شوهرش هم در جریان این رابطه قرار گرفته بود. با به‌دست‌آمدن این اطلاعات سمیرا بازداشت شد و اعتراف کرد روز حادثه شوهرش با علی قرار داشت.

نماینده دادستان ادامه داد: «ماموران در ادامه علی را شناسایی و بازداشت کردند. علی در ابتدا مقاومت کرد اما بعد از انجام بازرجویی‌های متعدد لب به اعتراف گشود و

گفت اتهامم را قبول دارم، من با کاظم درگیر شدم و به خاطر ترس با ماشین او را زیر گرفتم. متهم ادعاهای مختلفی را مطرح کرده و یک بار هم گفته به سر مقتول ضربه زده است. با این حال مطابق مدارک ارایه‌شده به دادگاه به عنوان نماینده دادستان تهران برای علی متهم ردیف اول به اتهام قتل عمدی کاظم و برای سمیرا متهم ردیف دوم به‌ اتهام معاونت در قتل در خواست صدور مجازات را دارم.»

در ادامه اولیای دم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای متهم ردیف اول درخواست صدور حکم قصاصی کردند. سپس علی در جایگاه حاضر شد و گفت: اتهامم را قبول ندارم. من کاظم را نکشتم و مرگ او یک تصادف بود. او گفت مدتی بود که با سمیرا آشنا شده بودم و با هم صحبت می‌کردیم. می‌دانستم او با شوهرش مشکل دارد. سمیرا به من گفته بود می‌خواهند از هم جدا شوند. روز حادثه کاظم با من تماس گرفت و گفت می‌داند با زنش رابطه دارم. او از من خواست با هم فراری بگذاریم. کاظم گفت می‌خواهد با من صحبت کند. من هم قبول کردم. وقتی با ماشین به محل قرار رفتم، دیدم کاظم هم با موتور

جنایت در نزاع خیابانی

شرق: مردی که به هواداری دوستش در یک نزاع خیابانی شرکت کرده و دست به قتل زده است در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد. به گزارش خبرنگار ما، ماموران پلیس شهری ساعت ۲:۱۵ روز ۱۲ آبان باخبر شدند، در خیابان جوانمردقصاب نزاعی رخ داده و فردی زخمی شده است. ماموران وقتی به محل حادثه رسیدند با پیکر خون‌آلود جوان ۲۵ساله‌ای به نام «اکبر» مواجه شدند.



اکبر بعد از انتقال به بیمارستان به دلیل شدت جراحات جان باخت و این ماجرا به پرونده‌ای جنایی تبدیل شد. کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل، وقتی به پرس‌وجو از شاهدان پرداختند، فهمیدند زمان حادثه سه جوان با اکبر درگیر شدند و یکی از آنها که پسری ۲۳ ساله به نام علیرضاست بعد از پاشیدن افشانه به صورت مقتول با چاقو او را زد و همراه دو دوستش فراری شد. کارآگاهان همچنین اطلاع پیدا کردند، علیرضا از اهالی منطقه جوانمردقصاب است که چندی پیش به منطقه‌ای دیگر نقل مکان کرده، اما بیشتر اوقات خود را به همراه دوستانش در یک قهوه‌خانه در خیابان جوانمردقصاب سپری می‌کند و آخرین بار و قبل از درگیری نیز در همان قهوه‌خانه حضور داشت و همراه دو نفر از دوستان خود به اسامی «بهرام» و

حوادث

مرگ مر موز بعد از ملاقات با مرد غریبه

همسر مقتول و متهم به قتل به داشتن رابطه پنهانی متهم شده‌اند

آمده است. پیاده شدم و به سمتش رفتم، کاظم چیزی شبیه جوب را بلند کرد تا من را بزند من هم ترسیدم و فرار کردم. سوار ماشینم شدم و رفتم. کاظم با موتور کمی من را تعقیب کرد اما من از محل دور شده بودم. چند ساعت بعد دوباره به محل برگشتم. کاظم هنوز منتظرم بود وقتی مرا دید دوباره به سمتم حمله کرد. با موتور جلوی من آمد خواستم فرار کنم، پایم را روی گاز گذاشتم، خیلی دستپاچه شده بودم. یکدفعه ماشینم به موتور کاظم برخورد کرد و او روی زمین افتاد. خیلی ترسیدم پیاده شدم و کاظم را که داشت ناله می‌کرد سوار ماشین کردم. چند متری رفتم اما بعد ترسیدم دوباره برگشتم. در حالی که کاظم همچنان داشت ناله می‌کرد او را در صحنه حادثه گذاشتم و برگشتم. چند ماه بعد هم من را به اتهام قتل بازداشت کردند. متهم درباره اینکه چطور در داسرا به قتل اعتراف کرد، گفت: در داسرا تحت فشار بودم و از من می‌خواستند اعتراف کنم من هم هر بار هر چیزی را که به ذهنم می‌رسید می‌گفتم. در ادامه عبدالصمد خرماشاهی وکیل‌مدافع متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: در نظریه پزشکی قانونی آمده است، جسمی سخت به سر مقتول

برخورد کرده و همین علت اصلی مرگ است. کارشناسان تصادف هم اعلام کرده‌اند تصادفی اتفاق نیفتاده است در حالی‌که موکل من مدعی است با مقتول تصادف کرده است. این نشان می‌دهد مقتول با ضربه تصادفی که موکل من با او داشته کشته نشده است. به نظر می‌رسد در این خصوص نقضی وجود دارد و دادسرا باید تعیین می‌کرد علت دقیق مرگ و نحوه آن چگونه بوده است. در حالی که دادسرا نحوه حادثه را مشخص نکرده است و با توجه به چیزی که در کیفرخواست آمده یعنی مرگ بر اثر تصادف عمدی بنابراین موکل من باید تبرئه شود چون پزشکی قانونی اعلام کرده که مرگ بر اثر اصابت جسم سخت به سر بوده نه تصادف.

در ادامه متهم ردیف دوم یعنی سمیرا در جایگاه حاضر شد و گفت: من با علی رابطه داشتم و این موضوع را قبول دارم، البته ما با هم فقط حرف می‌زدیم اما من در قتل شوهرم هیچ نقشی نداشتم و اصلاً نمی‌دانستم علی و شوهرم دیدار داشتند و بین آنها اتفاقی افتاده است. با توجه به گفته‌های طرفین هیات قضات شعبه ۷۴ برای تصمیم‌گیری در این خصوص وارد شور شدند.

دسیسه زن خیانتکار برای قتل شوهر

همسایه‌ها را باخبر کنم، بعد هم با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم» روی صورت این زن آثار کبودی مشهود بود و می‌شد این را به منزله مهر تاییدی بر ادعایش دانست ولی حرف‌های او غیرمنطقی به نظر می‌رسید، چراکه در خانه سالم بود و هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه فردی را زور و شکستن قفل وارد شده است وجود نداشت. از سویی در صورت حضور فرد غریبه و ایجاد سرر و صدا توسط وی علاوه بر یاسمن، شوهر او نیز باید از خواب می‌پرد و با سارق مقابله می‌کرد. حال آنکه همه شواهد نشان می‌داد این مرد درحالی‌که در خواب عمیقی فرو رفته بود، جان باخته است. پس از انتقال جنازه به پزشکی قانونی متخصصان به انجام آزمایش‌های لازم پرداختند و اعلام کردند، در خون مقتول مقدار زیادی داروی خواب‌آور وجود دارد و این نظریه به سررنج دیگری که یاسمن تبدیل شد. کارآگاهان به این نتیجه رسیدند که او را ز قتل شوهرش را می‌داند در نهایت یاسمن حقیقت را فاش کرد و گفت به دلیل رابطه با مردی دیگر نقشه قتل شوهرش را کشیده و روز حادثه او را با شیرموز مسموم و بی‌هوش کرد، سپس در خانه را باز گذاشت تا مرد مورد علاقه‌اش وارد شود و امین را با استفاده از یک رشته طناب به قتل برساند. بعد از ثبت این اعترافات قاتل اصلی نیز بازداشت شد و به جرمش قرار کرد.



ریخته‌اند. ماموران بعد از مشاهده پیکر بی‌جان امین که آثار کبودی دور گردنش مشهود بود و به نظر می‌رسید بر اثر خفگی جان باخته است به تحقیق از همسر ۲۱ ساله متوفی پرداختند. یاسمن درحالی‌که خودش را شوکرزنه و مغموم نشان می‌داد ماجرا را این‌طور شرح داد: «من و امین خواب بودیم که ناگهان با شنیدن صدا بیدار شدم. در همین هنگام مرد غریبه‌ای را دیدم که در خانه‌مان بود، او با جسمی که در دست داشت ضربه محکمی به سر زد و بی‌هوش شدم، بعد از آن متوجه چیزی نبودم تا اینکه وقتی به خودم آمدم فهمیدم امین فوت شده و النگو و گوشواره‌هایم به سرت رفت» است.»این زن ادامه داد: «به شدت ترسیده بودم و نمی‌توانستم عکس‌العملی نشان بدهم تنها کاری که از دستم برمی‌آمد این بود که داد و فریاد ران بزنم‌از و

تیراندازی پلیس برای متوقف کردن سارقان حرفه‌ای

قوت بخشید به همین خاطر ماموران به حالت آماده‌باش درآمدند تا اینکه نیم ساعت بعد «مسعود» سراسیمه وارد کارواش شد و ماموران متوجه‌اند وارد متهم عمل شدند اما متهم بدون توجه به دستور ایستت پلیس، سوار بر پژو دنده عقب از کارواش خارج شد و به شدت با خودرو پلیس و خودرو یک شهروند تصادف کرد و به فرار خود ادامه داد. کارآگاهان در این مرحله با تیراندازی و تصادف عمدی، خودرو متهم را متوقف و وی را دستگیر کردند. «مسعود» پس از دستگیری به اعترافات همدست خود صحنه گذاشت و به سرقت‌های متعدد اعتراف کرد و گفت: اموال سرقتی را به فردی به نام «مهدی» می‌فروختند. در بررسی‌های بعدی معلوم شد «مهدی» سال‌ها قبل فروشگاه لوازم بخش خودرو داشت اما چند سال است که مغازه‌اش را واگذار کرده و با توجه به سابقه‌اش در این شغل به خرید اموال مسروقه اشتغال دارد. با تکمیل



و سحرگاه چندروز قبل به صورت همزمان به این مکان‌ها رفتند. تیمی از ماموران بعد از اطمینان از اینکه مسعود در خانه پدری حضور دارد وارد آنجا شدند اما مسعود به صورت پیاده و با زیرشلواری در کوچه پس کوچه‌های خانه بخارایی با به فرار گذاشت و توانست خودش را از چشم ماموران دور کند. در این بین یکی از مکان‌هایی که قبلا مورد شناسایی کارآگاهان قرار گرفته بود، یک کارواش متعلق به «مسعود» بود و تیمی از ماموران در آنجا حضور داشتند. قرار متهم با زیر شلواری و پارک بودن خودرو سواری پژو برپشایی وی در کارواش این احتمال را که او برای تعویض لباس و فرار به آنجا برود، کرده‌اند.

به این ترتیب متهم برای تحقیقات بیشتر و دستگیری همدستش در اختیار کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. در آنجا با انگشت‌نگاری از سارق ۳۰ ساله معلوم شد نام واقعی وی «علیرضا-گ» و از افراد سابقه‌دار است. «علیرضا» در این مرحله به چندین و

۱۲ نفر، قربانی آخرین زلزله ترکیه
ایسنا: تلفات زلزله ۵/۷ ریشتری چهارشنبه هفته گذشته ترکیه به ۱۲ نفر افزایش یافت. به گفته مقامات ترکیه، این زمین‌لرزه اوایل روز چهارشنبه مناطقی از استان «وان» را لرزاند. نیروهای امداد تاکنون توانسته‌اند ۲۸ نفر را زنده از میان آوار بیرون آورند. به گفته وزیر آموزش‌وپرورش ترکیه، مدارس این منطقه تا اوایل ماه آینده میلادی تعطیل خواهد بود. این زمین‌لرزه باعث تخریب چندین ساختمان از جمله دو هتل شده است. از زمان زلزله ۷/۲ ریشتری ماه گذشته ترکیه، ۱۴۰۰ پسرلرزه این کشور را لرزاند.

قتل به دستور شیطان
آسوشیتدپرس: مرد ۳۴ساله‌ای در اسپانیا سر دختر دوساله‌اش را برید. این مرد که کلمبیایی است در بازجویی‌هایش ادعا کرد شیطان به او دستور داد کودکش را به قتل برساند. این مرد با استفاده از چاقو سرحترش را از گردنش جدا کرد. او هنگام ارتکاب

کشف ۱/۵ تن کوکائین
پلیس خبر: پلیس کلمبیا از کشف و توقیف محموله ۱/۵ تنی کوکائین خبر داد. در پی کشف یک آزمایشگاه

اطلاعات در خصوص این المخر مشخص شد وی قبلا توسط کارآگاهان اداره بیستم پلیس آگاهی در پرونده‌ای دیگر دستگیر شده و هم‌اکنون برای دوران محکومیت خود در زندان به سر می‌برد ضمن اینکه او به خاطر چندین فقره موارد اتهامی دیگر تحت پنج قرار مختلف است.

سرهنگ رضا مودن: رییس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: سارقان دستگیرشده در خصوص شیوه سرقت‌های خود اعتراف کرده‌اند برای سرقت‌ها هر از گاهی اقدام به سرقت موتورسیکلت می‌کردند و با موتورسیکلت‌های سرقتی در کوچه و خیابان‌ها پرسه می‌زدند و اقدام به سرقت از داخل خودروها می‌کردند. زمان سرقت متهمان اغلب شب‌ها بود اما با مهارتی که متهمان در سرقت از خودروها داشتند حتی در طول روز هم در نقاط خلوت پخش خودروها را سرقت می‌کردند.» وی افزود: «از آنجایی که این افراد سرقت‌های بسیار زیادی در طول یک سال گذشته و پس از آزادی از زندان مرتکب شده‌اند از تمامی شهروندانی که از خودرو آنان در مناطق شلوغ، شمال شرق و جنوب شرق تهران آزار دیده شده است، دعوت می‌شود برای پیگیری پرونده خود به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»

مجوز فعالیت بود. صدها نیروی امدادی برای کمک به معدنچیان به منطقه اعزام شده‌اند اما به دلیل نشت گاز به قدر به ادامه فعالیت نیستند. نشت گاز به حدی است که هر لحظه احتمال وقوع انفجاری دیگر وجود دارد. بنا بر آمارهای رسمی منتشرشده در چین، سال گذشته بالغ‌بر ۳۳۲ نفر در سوانح معادن زغال‌سنگ این کشور کشته شدند.

سقوط بالگرد توریستی

آسوشیتدپرس: پنج نفر بر اثر سقوط بالگرد توریستی بر فراز «هانویی» واقع در ایالت هاولایی کشته شدند. این بالگرد توریستی که قصد یک پرواز ۴۵دقیقه‌ای را داشت روز پنجشنبه در جزیره «هانویی» دچار سانحه شد. به گفته مقامات هاولایی، دو سرنشین این بالگرد زن و نفر دیگر مرد بودند. نیروهای امدادی پس از حضور در صحنه جسد چهار سرنشین را از میان لاشه‌های بالگرد پیدا کردند و تلاش‌ها برای یافتن جسد نفر پنجم ادامه دارد.

۲۰ کشته در انفجار معدن

ایسنا: وقوع انفجار در یکی از معادن زغال‌سنگ چین جان ۲۰ معدنچی را گرفت و تلاش برای نجات ۲۳ نفر دیگر همچنان ادامه دارد. این معدن واقع در استان «یون‌نان» که روز پنجشنبه دچار سانحه شد، فاقد

نگاه

آرامش بدون حضور دیگران



■ فطرت بشر و جایگاه انسانی او ایجاب می‌کند آزادخواه باشد و به دور از دغدغه خاطر، در آرامش و امنیت زندگی کند و اعصاب و روان آرام او در زندگی با دیگران آسیب نبیند. اصولا هر انسانی انتظار دارد دیگران به حقوق حقه او تجاوز نکنند، متقابلا او نیز ناگزیر است خط قرمز اعمال حقوق خود را حد و مرز حقوق دیگران قرار دهد تا در کل جامعه آرامش حکمفرما شود و بی‌قانونی و هرج و مرج، وقوع انواع جنایات و آدم‌کشی‌ها، زه و خورده‌ها، سرقت‌ها، اختلاس‌ها، دزدی‌ها و سایر جرایم، جامعه را به فقرها رهنمون نکند!

قانون این حد و مرز را تعیین و مشخص می‌کند. البته چه‌بسا بسیاری از قوانین نمی‌توانند حتی با اجرای خوب، عدالت را در جامعه تأمین کنند، ولی در هر شرایط به گفته علما علم حقوق، قانون بد بهتر از بی‌قانونی است زیرا بدیهی است قوانین را بسا توجه به شرایط روز جامعه می‌توان تغییر داد بسا اصلاح کرد اما بسا بی‌قانونی، هرج و مرج در جوامع انسانی حاکم می‌شود.نحوه اجرای قانون و برخورد‌های چندگانه باقانون‌شکنان نیز مقوله بحث مفصل جداگانه‌ای است و چه‌بسا قانون‌گذاران که خود به قانون احترام نگذاشته و ضمن شکستن حد و مرزهای قانونی تصور می‌کنند قانون فقط برای اجرا توسط دیگران است نه خودشان. با این مقدمه به پرسشی می‌رسیم که یکی از خبرنگاران حوادث پرسیده است. کدام قانون اجازه می‌دهد فرزند معناد همسایه یا بیمار روانی نشسته در کنار خیابان را به بیمارستان ببریم؟ در صورت مشاهده این افراد راهکار قانونی چیست؟ فرزند معناد همسایه شب‌ها با بی‌قراری و عریه‌دکشی و برهم زدن نظم خانواده به دنبال مواد مخدر می‌گردد و سبب اخلاخ در آرامش همسایگان و حتی رهگذران کوچه و خیابان می‌شود. در این صورت چه می‌توان کرد؟ از منظر قوانین کیفری پاسخ ساده و روشن است: همسایگان می‌توانند با یک تماس تلفنی کوتاه با نیروی انتظامی به عنوان ضابط دادگستری مراتب را اعلام کنند تا با اخلاخر محیط زندگی‌شان برخورد قانونی شود. پس از حضور ماموران در صورت ادامه اخلاخ نظم و عریه‌دکشی، طبق ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری وظیفه قانونی ماموران است که: «درخصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم با ثباتی معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند.» اما در صورتی که تا رسیدن نیروی انتظامی، اخلاخ در نظم و عریه‌دکشی و شکستن در و پنجره و ماندن آن به پایان رسیده باشد، جرم غیرمشهود تلقی شده و طبق قسمت اول همان ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری «ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام قضایی ذی‌صلاح اعلام می‌کنند.» که در این صورت به وجود شاکی خصوصی و دلایل و مدارک وقوع جرم و شاهد و... نیاز است. در این حالت در صورت پیگیری بسیار و گذشت تشریفات قضایی ممکن است بعد از مدتی طولانی مجازات‌های هرچند سبک برای متهم اعمال شود. اما این روش قانونی، پایان کار است احساس می‌شود در جامعه منجرهای اخلاقی و اعتقادی برهم ریخته و روابط انسانی از هم گسیخته شود و قانون هم در این میان حیران و معطل مانده است! همسایه از همسایه نه خبر دارد و نه آمد و شد آنجانی. همسایه با همسایه بیگانه است. زمانی که صدای ناله‌ها یا عریه‌دکشی فرزند همسایه به گوش می‌رسد، آنگاه است که متوجه می‌شویم همسایه‌ها در کنار داریم!

مراکز مشاوره روانی فراوان داریم. مراکز ترک اعتیاد داریم. بیمارستان روانی داریم. بعضی از ارگان‌های شهری موظف به جمع‌آوری و نگهداری متکدیان و معناتان هستند. بسیاری جلاست و نشت‌ها و هملایش‌های پرزرق و برق و با تشریفات عریض و طویل در جهت بحث و بررسی مسایل آسیب‌های اجتماعی و روحی و روانی تشکیل و در دانشگاه‌های زیادی رشته‌های مرتبط تدریس می‌شود. تبلیغات داریم... اما کمتر به این نکته می‌اندیشیم که آحاد جامعه باید در نظر بگیرند بدون توجه به اصول عالیه اخلاقی و عقیدتی هرگز نمی‌توانند در آرامش کامل زندگی کنند.

اصول اخلاقی که برتر از هر قانون موضوعه است، ایجاب می‌کند شخص معتاد عریه‌دکش را صرف‌نظر از ریشه‌یابی و جست‌وجوی علل رفتار وی و محکوم کردن او در وهله اول با آرامش برای مدلاو به بیمارستان و به دست خبره‌کار بسپاریم و

همدرد و همدل خانواده او باشیم تا شاید بر اثر این عمل انسانی آرامش گمشده در وجود خود را بازیابیم و الا صرفا جست‌وجوی راهحل قانونی و بی‌تفاوتی و... سبب خواهد شد در جست‌وجوی قانون، خود در دام بی‌قانونی اسیر شویم و محصل اینکه هیچ قانونی نمی‌تواند راهگشای کافی سردرگم مراکز ترک اعتیاد و بیمارستان‌های روانی باشد که متأسفانه همیشه مملو از مراجعه‌کننده است، مگر آنکه کمی تامل کنیم و در درون خود در جست‌وجوی قانون برتر از وجود خود باشیم.

• وکیل پایه یک دادگستری